

از «فولکیش و باختر»

مستعمرات انگلیس

از جغرافیای «دکیه» و «سوسنه آنکلسا کون»

وضع جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی آنها

-۳۳-

کانادا

کلیات سیاسی

در صورت اهالی و اتباع کانادا مجبور بودند نسبت پادشاه انگلیس سوگند وفا داری یاد می کردند. در دوران زبرداری لوله هارا برای عسریه داشتند.

این اقدامات و اعطای اینگونه امتیازات چنان عافانه و بیجا بود که بزودی نتیجه بزرگ و بی نظیری بار آورد، یعنی در سال ۱۷۷۴ کنکره مستعمرات انگلیس از فرانسویان کانادا دعوت کرد که بر علیه دولت انگلیس قیام نموده و با ایشان اتحاد نمایند. ولی ایشان این تقاضا را رد نموده و کمترین اقدامی بر علیه دولت مری نمی نمودند. این تقصیر ثابت کرد که رفتار عسالی انگلیس با فرانسویان کانادا و اعطای آزادی و امتیاز بایشان اثر نفع سلیم و حسن تدبیر بوده است.

در حال در اثر این اتفاق، روابط دولت انگلیس با فرانسویان کانادا از هر حیث صمیمانه گشت، لیکن بررور بین فرانسویان کانادا و مهاجرین انگلیس این کشور اختلاف نظر بسیاری پدید آمد.

فرانسویان در شمال کشور مریورسکی داشتند و انگلیس ها در جنوب و بین ایشان اغلب زد و خورد و نزاع در میگردید. انقلاب و استقلال کشور های متحد امریکا در اوضاع کانادا تاثیرات شدیدی نمود زیرا هنگامی که انقلاب توسعه یافت، مردم دودسته شدند: یکدسته ناراضی های تندرو که اساسا مخالف سلطه و حکومت انگلیس بوده قضای استقلال داشتند و این دسته در اکثریت بودند. دسته دیگر یا اقلیت اشخاصی بودند که در هین مخالفت و عدم رضایت از رفتار دولت انگلیس و مالیاتهای سنگین و عوارض ارضی آن تقاضای استقلال نداشتند و با ادامه زمامداری آن دولت مخالفت نمی کردند.

پس از فتح انقلابیون و انعقاد پیمان ورسای سال ۱۷۸۳ و اعلام استقلال کشورهای متحد امریکا، دسته دوم برای آرامش خیال و تأمین جان و مال خویش در مقابل احکامات تندسته اول مجبور به هجرت شدند. اغلب یک کشور کانادا آمده در شهرستانهای «نو اسکسی» و «نو و برن شویک» و مخصوصا نواحی «جنادای بالا» که بعدها «اونتاریو» نامیده شد، اقامت نمودند؛ ولی در این تاریخ، شهرستان های نووا اسکسی و نوو برن شویک تابع حکومت کانادا نبود و خود حکومتی جدا داشتند و بعد از جدا شدن کانادا شدند. عده فرانسویان در اراضی کانادای بالا یا اونتاریو چندان زیاد نبود، لذا مهاجرین کشورهای متحد امریکا در این ناحیه اکثریت حاصل نمودند و کانادای فرانسه «کانادای پایین» نامیده شد.

وزیر مهاجرین کشورهای متحد امریکا کانادایا با مسائل جدیدی مواجه ساخت، چه تا این تاریخ اهالی این کشور اکثر فرانسوی و دارای مذهب و زبان و آداب واحدی بودند؛ اما از این بعد اهالی این کشور بدو دسته تقسیم می شدند: یکی فرانسویهای کاتولیک مذهب، دیگر مهاجرین جدید یعنی انگلیسهای پروتستان. دولت انگلیس صلاح چنان دید که ایشان را از یکدیگر جدا ننماید و مصلحت و مسکنشان را تعیین و تفکیک نماید. این نقشه بواسطه وسعت زیاد اراضی این کشور کاملاً عملی بود. در هر حال اراضی شمال بسکونت فرانسویان اختصاص یافت و نواحی جنوب به مهاجرین انگلیسی

غرق چهار کشتی بازرگانی

در عرض ده دقیقه

شد افسر نگهبان و ملوانیکه نزدیک او ایستاده بود، با دوربینهای خود حرکت طار را تعقیب می کردند. در دوران زبرداری لوله هارا برای برتاب اژدر حاضری نمودند.

برای اینکه دشمن متوجه حمله نشود، این عملیات در نهایت احتیاط انجام می گرفت. زیرا دشمن خیلی نزدیک بود و یکی از ناوشکنها فقط چند سدمتر با زیر دریایی فاصله داشت، بطوریکه صدای توربین آن کاملاً بطور وضوح شنیده می شد و اگر دشمن متوجه می گردید زحمات آنها بیهوده می رفت و بهوش این که کشتیها را بر تریاب اژدر غرق نمایند، خودشان مورد بمباران دشمن واقع می شدند.

در این موقع فرمانده مقدمات حمله را فراهم نمود و محاسبات لازمه را نیز انجام داده بود. وقتی فرمان حمله صادر شد بزرگ ترین کشتی بازرگانی بعنوان هدف انتخاب گشت. نخستین اژدر بطرف آن بر تاب گردید و در نتیجه زبرداری تکان سختی خورد تمام ساکت و منظر اصابت اژدر بکشتی بودند، لیکن خبر نداشت. سرسکاندار بدون حرکت ایستاده و در حالیکه لبانش بی لرزید شانه شمار خیره گشته بود. یکمرتبه با صدای نیمه بلند گفت:

«اکنون بایستی اصابت کند» ولی باهم خبری نشد.

فرمانده ندانند که راهبم فشار داده با حالت عصبانی گفت: «از آن گذشت»، لذا دومین اژدر بطرف هدف رها گشت، هنوز از اولی خبری نشده بود ولی صدای هولناکی سکوت را به هم زده و اژدر دومی به هدف خود اصابت نمود و قطعات کشتی مثل سایه به هوا بر تاب گردید. هنوز آن آت ازین نرفته بود که صدای مخوف دیگری بگوش رسید، چون اژدر اولی که از هدف اصلی خود گذشته بود، بکشتی دیگری که در آن طرف قطار قرار داشت، اصابت کرده بود.

فرمانده ملتفت شد که هدف های اولیه با محاسبات تطبیق نمیکنند، لذا با تغییر جزئی در آن ها، دو اژدر دیگر رها نمودند. چون قطار خیلی نزدیک شده بود، پس از چند ثانیه دو صدای انفجار بگوش رسید، یکی از کشتی ها فوراً غرق شد؛ لیکن چون کشتی دومی دیک بخارش متغیر گردید، لذا شروع به سوختن نمود و انفجار قدری روشن کرد، فوراً اژدر افکن ها متوجه زبرداری گردیدند و در نتیجه ناوشکن ها بطرف آن حمله ور شدند.

زبرداری با سرعت شروع به رفتن در آب نمود. پس از آن که فرمانده در را کاملاً بست، سرسکاندار با خوشحالی اظهار نمود که تمام این عملیات در ده دقیقه انجام گرفته است. در این اثنا بیبهای آبی، زیر دریایی را احاطه کرده بودند، اما چون با آن فاصله داشتند زبانی بدان نرسانیدند و ملوانان در حالی که متوجه صدای ماشین های ناوشکنها و کشتیها بودند، کم کم زبرداری را بطرف دیگر متوجه ساختند، ولی هنوز بیبهای فرو میریخت. بالاخره بمباران قطع شد و دیکر صدای ناوشکنها بگوش نرسید.

در نتیجه ملوانان را خوشحالی فراوانی دست داد. ملوانان در این عملیات روزهای انتظار نگهبانی یک هفته را فراموش نمودند و سر دماغ شدند و وزیر دریایی برای استراحت بسوی یکی از ژاندار رهسپار گردید.

فرمانده زبرداری با حالت عصبانی بقد زدن برداشت، چون یک هفته تمام هیچ عملی انجام نگرفته بود و از کشتی های دشمن اصلاً خبری نبود. ملوانان نیز متان بودند، چون علاوه بر خشکی از یکبارگی، هوا نیز طوفانی بود و باد شدید متغیری میوزید.

نزدیک ظهر بود که باد یکمرتبه آرام گرفت و هوا قدری روشن شد، لذا میدان دید زبرداری توسعه یافت. در همین موقع قطعه ابر کوچکی را افسر نگهبان در انتهای افق ملاحظه نمود. در نتیجه آگاهی او سر سکاندار با دوربین خود پنجس برداشت و معلوم نمود که یک قطار کشتی مشغول حرکت میباشند. این قطار خیلی بزرگ و شامل کشتی های زیادی بود. ملوانان در نتیجه شنیدن این خبر بی اندازه خوشحال شدند.

فرمانده که چگونه خود را برای استراحت در موقع ناوار از پا آورده بود، بدون اینکه مجدداً دریا نماید بایک برش خود را بر کز فرماندهی رسانیده و با همان حالت روی بل زبرداری آمد. افسر نگهبان وسیله دوربین خود مشغول باز دید آن نقطه ای برمانند بود و با خوشحالی اظهار میداشت: «تمام افق پر از کشتی است»

چون زبرداریها نمیتواند در ماموریت های خویش زیاد از مرکز خود دور شوند و علاوه بر این در آب های دور دست با آنها موری داده نمیشود، لذا کشتیهای بازرگانی و باری دشمن همیشه در نقطه معین که قبلاً بانها خبر داده شده جمع میشوند و سپس از این نقطه یکم ناوها به حرکت خود ادامه میدهند.

لازم است خاطر نشان ساخت که همیشه کوله در یک مسیر حرکت نمیکنند بلکه هر دفعه مسیر و راه خود را تغییر میدهند. قطار ها بدین طریق تشکیل میشوند که همیشه سه یا چهار کشتی بازرگانی یا باری بهلوی یکدیگر قرار میگیرند؛ سپس ناوشکنها و سایر ناوها آنها را احاطه مینمایند و ممکن است قطار از چندین دسته کشتی و ناو تشکیل گردد. اغلب در جلوی قطار چند ناوشکن حرکت مینمایند و بقیه ناوها و زبرداریها در طرئین بعد از میگردانند، در حالیکه با حرکت های سریع و پیچ در پیچ و منکسر خود از عملیات زبرداریهای صرف جلوب گیری مینمایند.

این قطار شامل هفده کشتی بود که در بین آنها دو کشتی نفت کش و یک کشتی حمل گوشت و دو کشتی باری حامل خواربار وجود داشت اغلب این کشتیهای کرانه دار در کر قطار قرار داشتند.

حمله در تاریکی

زبرداری با سرعت بسیار کمی بسوی قطار حرکت کرد و سپس تا اندازه ای که لازم و ممکن بود جهت وسع کشتی ها را معین نمود بانها نزدیک شد و وضیعت حمله بخود گرفت در حالیکه خود را وسائل مختلفی از نظر مخفی نگاه میداشت کم کم هوا تاریک شد و فرمانده پایین رفت و دیگر کسی او را نمیدید.

زبرداری از تاریکی شب استفاده کرده و در همان نقطه توقف نمود. قطار کم کم نزدیک

نویسنده: بازیل تازر مترجم: ا. ش

اسرار جنگل

بخش سیزدهم

-۳۹-

من از این مرد یعنی تدفای از روز اول بدم می آمد: زیرا چشمان وی حالتی دارد که من آن را می ترسم. در قیافه اش نیز اثری از همین حالت دیده میشود. نگاه وی، نگاه آدم معیلاست. آری آدم دغل باز و حیل گرو رو به صفتی بنظر میرسد. تو خیال میکنی او با رابریت در آن محل چه میکرده و برای چه منظور و تفری آتیارفته بودند؟ خواهی گفت که برای خوردن نوشابه رفته است و حال آنکه نوشیدن نوشابه را بهانه انجام مقصود دیگری قرار داده است.

آنگاه خانم «بلیک مور» دست بگردن «لانیچتر» انداخته و بوسه گرمی از لبان او برداشت و گفت:

«البدور عزیزم، از تو خواهش میکنم، متنی دارم فردا در مسابقه شرکت کنی و اسب سوار نشوی. نکن و از من بشنو بیبانه ای از شرکت در مسابقه خود داری کنی، یا خراش در بدن اسب ایجاد کنی، یا آن که بجای خود دیگری را معین کنی، زیرا هزاران نفر هستند که حاضرند مبلغی هم بدهند که سوار این اسب شده و در مسابقه شرکت جویند، اینطور که تو میگوئی این اسب همیشه در مسابقه ها روی سبقت وارد بوده است. فرما هم که این اسب نای نبود همیشه در گذر مسابقه شرکت میجوید همه کس طالب سواری آن است.»

خانم «بلیک مور» دست از گردن «لانیچتر» بر نمیداشت و خود را بدو آویخته و با نگاه استقامت آمیزی از وی درخواست میکرد

اقتباس از کتب و مجلات خارجی

دومین جنگ بزرگ قرن بیستم

بیست سال آشوب

۱۹۲۹-۱۹۱۹

بخش چهارم: چهار گوشه اروپا و اوضاع سیاسی آنها

ولی يك قسمت دیگر که در اینجا باید حتماً ذکر شود ناحیه روتن است که بنام «دنیاله چکوسلواکی» خوانده میشود و مرکز اصلی نژاد اسلاواست. از این ناحیه است که مهاجرین در زمانهای گذشته شروع به مسافرت باطراف نموده در لهستان و اوکراینی مسکن میگزیدند. کایه طوایف اسلاوا این محل را مرکز نژادی خود میدانند؛ ولی با وجود تمام علاقه ای که به آن دارند، هیچگونه در پیروی اوضاع آن اقدامی نکردند.

بررسی تاریخهای نژادی و اقتصادی خیلی از مطالب جزئی ولی با اهمیت را بناسان میاموزد و در قاره اروپا و بویژه در بالکان مکان هائی یافت میشود که از حیث وسعت خاک و اهمیت اقتصادی بسیار کوچکند، ولی از لحاظ دیگر مانند علائق مذهبی یا نژادی یا لشکرکشی اهمیت شایانی دارند و هر یک از این مکانها نقشهای مهمی در سیاست عمومی جهان و تاریخ کشورها و ملت هائی که در آن ذیلعقه بوده اند، بازی کرده اند.

ناحیه دوبروجا بین رومانی و بلغارستان، منطقه مقدونیه بین یوگوسلاوی، یونان و بلغارستان، دشت «کوسوو» بین آلبانی و یوگوسلاوی که همه آنها رایشتر مورد بیعت قرار دادیم بهترین گواه این مدعا هستند. ناحیه روتن هم یکی از این نقاط مهم است.

از تاریخ قدیم این محل کسی اطلاع کافی ندارد و معلوم نیست به چه مناسبت دسته ای از طوایف اسلاو در آن مسکن گزیده اند مگر آنکه مرکزیت آن از لحاظ ژئوپلیکی

بجایگاه های رومانی، لهستان، مجارستان و اوکراینی مدرک قرار داده شود و این ناحیه بنزله هسته مرکزی طوایف صحرای نشین آن زمان که هر روز بجایگاه تازه ای احتیاج داشتند فروز شود. در هر صورت روتن از لحاظ اقتصادی دارای هیچگونه اهمیتی نیست و مخصوصاً از زمانی که تحت تسلط مجارستان در آمد بعد سیاسی و نظامی کاملاً در بوته فراموشی ماند پیش از جنگ بین الملل و بعد از آن تاکنون هم این ناحیه یکی از فقیر ترین و بدست ترین نقاط اروپا بوده و حال کشاورزان و مردم آن پرتش است. مردم تقریباً همه یهودا بوده و با خرافات و عقاید پوسیده عجیب و غریب زندگی میکنند.

تنها ناحیه «شهر نشین» آن در دره شب رود «تیرا» واقع است که اولین مقر مهاجرت دسته ای از مجارها بوده و هنوز هم در دوسوی این دور و در خانه، این ملت دارای زمین های کشاورزی و باغهای میوه و هلاقه های دیگر هستند. در زمان تسلط مجارستان بر این قاط، قومیکه اسلاواکی و روتن جزو امپراتوری اتریش و مجارستان محسوب میشد، روتن جزو اسلاواکی بود و آخرین نقطه مرز این امپراتوری با روسیه به شمار میرفت و از همین جهت در ترقی و آبادانی آن کوشش و اهتمامی که بسایر قسمتها مینمود شده بود، مشاهده نمیشد.

پس از جنگ بین الملل که ملت های تازه اتریش و مجارستان هریک در صدد استقلال بر آمدند، در ناحیه روتن هم این جنبش مشاهده شد. عده ای طرفدار پیوستن با اوکراینی و روسیه بودند. برخی مایل به پیوستن به رومانی و برخی بخواهی می توانند در هر صورت تو سوار نشو، هر که می خواهد بشود.

باران شدیدی شروع بیازیدن کرده بود؛ ولی فردای آن روز آفتاب خوبی بود.

مسابقه تشکیل شد و کار شرط بندی روی اسبها بویژه روی اسب «آری راسارت» بالا گرفت تا آنکه در همه جا این خبر انتشار پیدا کرد که صاحب اسب خودش سوار نخواهد شد.

«در رابرت بلیک مور» آنروز صبح دیر از خواب برخاست در آنکهی مسابقه ساعت سه بعد از ظهر برای اسب دوانی معین شده بود. پس از صرف چاشنات ارابه ای کرایه کرده بطرف اسپرینسب دوانی رفت و در بین راه هینکه راجع بنقشه خود فکر میکرد، آثار وجد و نشاط در صورتش نمایان می گشت؛ ولی کاهی هم چهره درهم می کشید و روی ترش می نمود. این هنگامی بود که فکری کرد میباید نقشه اش عقیم بماند و کابر وفق مراد و مطلوب او صورت نگیرد.

اما فوراً این خیال را از خود دور میکرد و میگفت: «ممكن نیست نقشه من عملی نشود»

ده دقیقه سیاحت سه یعنی شروع اسب دوانی مانده بود که بدو کیلومتری اسپرینسب رسید دوازده نفر اسب سواری که مهبای حرکت شده بودند، بسوی اسپرینسب یعنی محلی که باید از آنجا حرکت کنند، میرفتند. چون هنوز «سر رابرت» بیباید نرسیده بود بر بالای تپه ای رفت و دور بین خود را بیرون آورد و اسپرینسب را از زیر نظر گذراند.

تا گه آن سراسیمه شده و رنگ از روی وی بر تافت؛ زیرا اسب امی راسارت را دید که سوارش دیگری است. لانیچتر نیست. باز دور بین را متوجه اسب نمود و در همان نقطه نگاه داشت تا کاملاً سوار را بشناسد، خیر، هیچگونه آن سوار شباهتی به لانیچتر نداشت.

اتفاقاً در همان اثنا شخصی که سوار آن اسب شده بود، روی خود را برگرداند و «سر رابرت بلیک مور» تا آن صورت را دید یکهای خود و دلش تنبید گرفت.

تا گه آن سراسیمه شده و رنگ از روی وی بر تافت؛ زیرا اسب امی راسارت را دید که سوارش دیگری است. لانیچتر نیست. باز دور بین را متوجه اسب نمود و در همان نقطه نگاه داشت تا کاملاً سوار را بشناسد، خیر، هیچگونه آن سوار شباهتی به لانیچتر نداشت.

اتفاقاً در همان اثنا شخصی که سوار آن اسب شده بود، روی خود را برگرداند و «سر رابرت بلیک مور» تا آن صورت را دید یکهای خود و دلش تنبید گرفت.

تا گه آن سراسیمه شده و رنگ از روی وی بر تافت؛ زیرا اسب امی راسارت را دید که سوارش دیگری است. لانیچتر نیست. باز دور بین را متوجه اسب نمود و در همان نقطه نگاه داشت تا کاملاً سوار را بشناسد، خیر، هیچگونه آن سوار شباهتی به لانیچتر نداشت.

اتفاقاً در همان اثنا شخصی که سوار آن اسب شده بود، روی خود را برگرداند و «سر رابرت بلیک مور» تا آن صورت را دید یکهای خود و دلش تنبید گرفت.

تا گه آن سراسیمه شده و رنگ از روی وی بر تافت؛ زیرا اسب امی راسارت را دید که سوارش دیگری است. لانیچتر نیست. باز دور بین را متوجه اسب نمود و در همان نقطه نگاه داشت تا کاملاً سوار را بشناسد، خیر، هیچگونه آن سوار شباهتی به لانیچتر نداشت.

اتفاقاً در همان اثنا شخصی که سوار آن اسب شده بود، روی خود را برگرداند و «سر رابرت بلیک مور» تا آن صورت را دید یکهای خود و دلش تنبید گرفت.

اجل معلق

یادام اهریمنان

فصل چهارم - ماتو موریس

پیش از اینکه باسخی برای این پرسش خود بیام خویش را بردارم، بفرماید: «دیده، جای درنگ نبود خواه و ناخواه دست برد زدم و پس از تحویل اجازه ورود داخل شدم؛ بعضی دیدن من از جای برخاسته پسوی من آمده دست بسوی من دراز کرده گفت: «آقای فرانک! راستی من باید از شما معذرت بخوام دیروز روز بسیار بدی بود. خواهش میکنم هر چه را این ما گذشت فراموش کنید.»

در این لحظه دست مادر میان دست هم بود و بورچارد صندلی راحتی بن نشان داده خواش نشستن کرد. من با کمال بی میلی بروی صندلی نشستم و بورچارد برای اینکه اضطراب خاطر خود را که کاملاً بر من محسوس بود مستور بدارد روی برف دیگر گردیدند دقیقه خود را با پرونده ای که طرف دیگرش قرار داشت مشغول کرد و همینکه هیچانش اندکی فرو نشست روی بن کرده گفت:

«فرانک! راستی که بخت بتو روی کرده؛ باید بگویم، من در خصوص شما «لانکاستر» صاحب امتیاز و مدیر روزنامه صحبت کرده ام راستی چه آدم کرسی است! چه کار مهمی شما رجوع کرده! من قطع دارم با انجام آن بر شرت و معروفیت شما چندان افزوده خواهد شد»

قلب از شدت سرور و خوشحالی طپیدن آغاز کرده بود: سر از پا نمیخاستم: بنظم میرسید که با تقاضای من موافقت شده و می توانم دنبال کار را بپایست گری باین بنگاه بیکرم و جلو بروم. بی اختیار نگاه تشکر آمیزی بوی کرده رفتم:

«راستی هزار بار شکر که اینطور شد. در این صورت با رفتن من موافقت» بورچارد سری بلامت تصدیق حرکت داد. من پیش از پیش امیدوار شده کتم: بنا بر این همین امروز می توانم بسوی شهر پ حرکت کنم»

بورچارد خنده تلخی کرده پاسخ داد: «نه عزیزم: چرا بطرف پ؟ وقت تو خیلی گران است. نمی توانی آنست که در آن می کنی عیش و عشرت تلف شود. من راجع باین موضوع که اینقدر شما را بخود علاقت کرده است زیاد اندیشیده ام ممکن است در این میان چیز هایی باشد و ممکن است نباشد. دهر حال رسیدگی باین قضیه را بخود ما و گذار کن. برای شتا کاری خیلی مهمتر و عالی تر در نظر گرفته ام. راستی امثال تو اشخاص با هوش و کاری باید در کار های اقدام کنند که ارزش داشته باشد. آقای فرانک: من میخواهم شما را به نیویورک بفرستم»

این حرف گویی صافه ای بود بر من من فرود آمد. دهانم از تعجب و تعجب باز مانده پرسیدم: «چطور؟ به نیویورک؟»

بورچارد سری تکان داده گفت: «کشتی «البیک» فردا بسوی نیویورک حرکت میکند. شما باید رفته در اطراف سیاست اقتصادی روز و زوالت رئیس جمه - و اطلاعاتی بدست آورده و افلا شش مقاله برای ما تهیه کرده بفرستید»

چهره من از غضب بر افروخته شده

گفتم: «آقای بورچارد: میخواهید مرا بدنبال نفوذ سیاه بفرستید؟ اینکار مربوط به آقای «کیل سلی» میباشد، خبر نگار اقتصادی شما ایشان هستند»

«کیل سلی» می تواند من را از نیویورک کار سر بردارد. اینکار قطع کار شماست»

تیغهای فیلی تنها چاره ریشه ای زیر است هنگام خرید

علامت HAPE را که با خط طلایی روی هر بسته نوشته شده است دقت نمایند. ۶۵۷-آ ۱۰-۱

نیاز هندیها

ساختمان های کوچک کوچک

تحت نظر مهندسين با نهایت استحکام و صرفه جویی و فوریت ساخته میشود. رجوع فرمائید بشارت فنی و بازرگانی خشا پشت شهرداری ۶۴۷۱-آ ۲۰۱

تبغ سمرت لوکس

بنگاه البرز - خیابان فردوسی ۶۴۹۴-آ ۱۰-۴

یک دستگاه موتور با دینام

برای روشنایی ۱۱۰ ولت نیرو با تمام يك باری مستعمل بیهای مناسب فروخته میشود طالبین از ساعت ۱۰ تا ۱۲ پیش از ظهر و از ساعت ۴ تا ۵ بعد از ظهر بدقت سفارت ژان مراجعه نمایند. ۶۴۲۷-آ ۵-۴

رادیوهای جدید

تجارتخانه امین غنیمه رسید از موقع استفاده کنید خیابان لاله زار تلفن ۹۰۱۵ ۵۰۴۶۱-آ ۴۰-۲۷

رادیو لورنس

بنگاه البرز - خیابان فردوسی ۶۴۹۱-آ ۱۰-۴

یک عدد ماشین کتیناتال قرایسه

(۴۹ سانهتری) کاملاً نو و بسته کارخانه فروش میرسد. طالبین میتوانند همه روزه بدار ترجمه متین واقعه در اول لاله زار بالاخانه بنگاه کوشان مراجعه نمایند تلفن ۹۵۱۴ ۶۴۹۹-آ ۴-۴

چاپ

برای چاپ دفاتر لوکس - یادداشت و هر نوع کارهای مطبوعاتی و بازرگانی و کارت و غیره مراجعه فرمائید به پشت شهرداری بنگاه خشا ۶۴۷۰-آ ۵-۴

شرکت طبع کتاب

بنیابان بوذرجمهری پهلوی سرای حافظ انتقال یافت ۶۴۸۷-آ ۵-۱

سگهای گرگی

از نژاد اصیل و توله های سک کرکی از نژاد اصل بفروش میرسد.

آدرس - بیرون دروازه دولت خیابان منصورنرسیده به بیمارستان ارتش خانه شماره ۲۶ ۶۴۷۵-آ ۲-۱



روغن اتومبیل و موتور آمریکائی

مقداری وارد شد. برای خرید مراجعه شود به تجارتخانه حاج علی علاقیند و پسران - بازار - سرای قدسیه تلفن ۶۶۴۸ ۶۴۸۳-آ ۲-۱

آگهی

در تاریخ ۳۱۹۲۲ - آقای عبدالرحیم توکی دارنده شناسنامه شماره ۱۱۹۷ فرزند مرحوم حاجی محمد مهدی توکی دادخواستی با يك برك رونوشت شناسنامه و شناسنامه مورت خود با يك برك سئواله و رونوشت بعضی از اخوات خود بداد گسری گسگان تقدیم بشماره ۳۱۹۲۱ ثبت شده و تقاضای صدور کواهی حصر وراثت را بشرح در دادخواست باین توضیح نموده که حاجی محمد مهدی توکی دارنده شناسنامه شماره ۱۲۸۶۱ فرزند مرحوم حاج حسن در اواسط اسفند ماه ۳۱۸ فوت نموده و حین الفوت دارای چهار دختر - بانو نجمه مصدق دارای شناسنامه شماره ۹۸۷ - بانو رقیه مصدق دارای شناسنامه شماره ۳۹۲۸ - بانو ام البنین دیلمی دارای شناسنامه شماره ۷۰۴۹ - بانو حبیبیه توکی دارای شناسنامه شماره ۱۲۸۶۳ و يك برك عبدالرحیم توکی متقاضی بوده و تقاضای حصر وراثت خود را نموده است و اینک پس از بازجویی از کواهان مراتب سه ماه متوالی هر ماه بکمتریه در مجله رسمی وزارت داد گسری و روزنامه اطلاعات آگهی مینماید که هر کس بوراثت و یا حصر وراثت و اوتش برود اعتراضی دارند ظرف مدت سه موزوره بدادگاه داد گسری کرگان تقدیم و الا با انقضای مدت وعدم وصول اعتراض کواه نامه مورد تقاضا صادر خواهد شد نوبت دوم ۱۹۸۳۰۳۰۳ رئیس داد گسری کرگان - مهدی عقیلی ۵۶۸۲۲

یک دستگاه خانه اجاره

دارای ۱۳ اتاق و سه حمام و مطبخ و کاراز و چهار ایوان بادو حیاط همارت جدید البیضاء سه مرتبه بایرن و لوله کشی و لوازمات باجاره و ا گذار میشود طالبین به خیابان شاه آباد کوچه حمام وزیر شماره ۴۸ مراجعه فرمائید ۶۴۷۳-آ ۲-۱

ادوکلن ۵۵۵

لازم تعریف نیست مغازه حمید - چهارراه لاله زار ۶۴۴۹-آ ۱۰-۲

طرح نقشه

نقشه کشی - نقشه دور نما بر آورد - محاسبات ساختمانی را باسانی می توانید نزد مهندس معمار دیلمه پاریس بیاموزید خیابان سه کوچه مبین نمره ۳۱ ۶۴۱۵-آ ۵-۱

بنگاه عباثیان

مخصوص خرید و فروش

اتومبیل و املاک بنیابان سعدی روبروی ۹۹۷۱ انتقال یافت تلفن ۶۴۹۱-آ ۷-۱

دهات فروشی

اطراف تهران راه تجارتخانه سپهانی تلفن ۷۱۴۸ بفرا مید ۶۳۴۵-آ ۵-۴

برای راحتی مؤمنین

خلاصه اعمال و ادعیه شب و روز جمعه و زیارت نامه ها با قطع بطور فلی و چاپ نفیس در ۱۲۸ صفحه از طبع خارج شده و هدیه آن سه ریال است کتابخانه علمی - خیابان ناصر خسرو ۶۴۶۹-آ ۲-۱

آگهی

طبق ماده ۱۷ قانون راجع به ترکه اتباع خارجی آگهی میدهم که داکتر - سانطرام - ورما - هندی تبعه دولت انگلیس روز ۲۷ تیرماه ۱۹۸۵ در اهواز فوت نموده و هر کس بعنوانی از عناوین حق برای خود بر ذمه متوفی و یا برایان ترکه قابل میباشد مقتضی است در ظرف مدت شش ماه از تاریخ نشر این آگهی ادعای خود را با مدارک طلب و حقانیت بامین منصوب کنسول دولت انگلیس در اهواز تسلیم نماید و الا پس از انقضای مدت سه موزوره هیچگونه ادعائی پذیرفته نخواهد شد نوبت سوم ۱۹۸۳۰۳۰۳ کنسول دولت انگلیس در اهواز ۱ - ه - گیلنک ۴۷۶۷-آ

خیابان شاهرضا

عمارت سه طبقه دارای نه آپارتمان مشتمل بنجایا طبق حیاط، زیر زمین برای اداره، شرکت با منزل شخصی اجاره داده میشود. خیابان شاهرضا جنب حمام استخر - بتلفون ۶۷۰۸ یا ۴۱۲۴ مراجعه شود. ۶۴۲۱-آ ۹-۲



Seit 1799

Hückel Hütte

کلاه های فوتر و مخملی ساخت کارخانه هو دن بهرین اسحان را از حیث جنس - ترکیب - و رنگ داده است ۶۳۵۳-آ ۸-۳

برای میخانخانه ها - نخه فراد و روستی

از ۲۰ مترنم و ۹ متری بقطر ۲ تا ۴ سانت برای فروش موجود خواستاران در بازار سرای قارخانه به کریم رجب زاده مراجعه کنند. ۵۹۸۴-آ ۳-۳

بزودی چهار شاهکار مهم چهار کارخانه معظم در سینما ایران

باشتر اك - نرماشیر و گلارک کابل

کارخانه مترو

بدیهی است این دو هنریشه احتیاجی بمعرفی و شناسائی ندارند و فیلمهای آنان نیز پروپاگاندا آگهی نمیخواهد

باشتر اك - لورل و هاردی

کارخانه ار - کا - او رادیو

دو ربانوع خنده که از کارخانه مترو بکارخانه رادیو منتقل وجهانی را با عملیات خود شاد و خندان مینماید

باشتر اك - ژانت ماکدونالد

کارخانه مترو

بلبلی که آواز روح پرور و نغمه روح بخش او قلب و روح عشاق و دلدادگان را جلب نموده

باشتر اك - گاری گویر

کارخانه هنر پیشگان متحد

قهرمانی که با فیلم بیزه داران بنگال خود را معرفی نموده - اینک شاهکار دیگرش را تقدیم میدارد

۶۴۸۶-آ

